

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و پنجم ۱۳۹۶/۰۹/۱۸

لزوم پاسخگویی روشمند به شبهات (۲۴) - شایستگی های لازم یک پاسخگو به شبهات (۱۰)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با شرایط متصدی پاسخگویی به شبهات یا حضور در مناظرات بود. در این زمینه به

مواردی اشاره شد که یکی از آن موارد «اعتماد به نفس» بود.

«اعتماد به نفس» یعنی اینکه انسان با استعانت از خداوند متعال و توکل بر خداوند عالم نسبت به اطلاعاتی که خودش دارد و ضعفی که طرف مقابل دارد باید کاملاً اعتماد کند.

اگر انسان نسبت به یافته‌های خودش متزلزل باشد یا عقیده محکمی نداشته باشد قطعاً در مناظرات با موفقیت جلو نخواهد رفت و شکست خواهد خورد.

البته «اعتماد به نفس» بحثی است و مغرور شدن به خود، بحث دیگری است؛ اعتماد به نفس این است که انسان با تکیه بر خداوند عالم بر آنچه که دارد خاطر جمع است و جلو می‌رود. ولی یک مرتبه غرور و عجبی انسان را فرامی‌گیرد.

خدای ناکرده اگر انسان به عجب و غرور برسد و اعتماد به نفس او منجر به عجب شد قطعاً موفقیتی نیست، بلکه با مشکلاتی هم مواجه خواهد شد. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که می‌فرماید:

«أَلْتَقَّةٌ بِالنَّفْسِ مِنْ أَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ»

غُر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۷۸، ج ۱۵۰۴

اشاره به همین قسمت است. اگر اعتماد به نفس انسان، غرور آور شد و انسان به خود مغرور شد، در دام شیطان گرفتار می‌شود. قطعاً با غرور به نفس که در حقیقت یکی از فرصت‌ها و دام‌های شیطانی است انسان از حد اعتدال بیرون می‌آید و در رذیله غرور و اعجاب قرار می‌گیرد.

همچنین عبارت دیگری از حضرت امیرالمؤمنین در کتاب «تحف العقول» صفحه ۱۴۷ نقل شده است که روایت بسیار مفصلی است. حضرت در این روایت می‌فرماید:

«إِيَاكَ وَ الْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ»

مبادا به خود و قدرتت عجب داشته باشی.

«وَ الثَّقَّةَ بِمَا يَعْجَبُكَ مِنْهَا وَ حُبَّ الْإِطْرَاءِ»

مبادا عجب تو را فرا بگیرد و هوای نفس تو را اسیر کند.

«فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِ»

زیرا عجب و اعتماد بیش از حد به خود و بریدن از خداوند عالم یکی از محکم‌ترین فرصت‌های شیطان است که احسان محسن را با مشکل مواجه می‌کند.

تحف العقول، نویسنده: ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۱۴۷،

باب عهده ع إلى الأشر حین و لاه مصر و أعمالها

فلذا اعتماد به نفس بحثی است و عجب به نفس و مغرور شدن، بحث دیگری است. هفتمین ویژگی مناظره کننده، «مقاومت و سعه صدر» در مناظرات و پاسخگویی به شبهات است.

در پاسخگویی به شبهات یا مناظرات نباید به این فکر باشیم که به دلیل اینکه ما حق هستیم همان لحظه اول باید پیروز شویم و طرف مقابل ما شکست بخورد؛ نه؛ این چنین نیست!!

ما از نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) که محقتر در عالم نداریم. آن بزرگوار اشرف خلائق و اعز مخلوقات است. ما می بینیم در بعضی از غزوات پیغمبر اکرم ظاهراً با شکست مواجه می شود. حال دلیل این شکست عجب مسلمانان یا عدم پیروی از دستورات نبی گرامی اسلام بوده، یک طرف قضیه است، اما نتیجه قضایایی همانند جنگ احد به شهید شدن هفتاد نفر از بهترین عزیزان رسول الله منجر می شود.

لذا مناظرات یا پاسخگویی به شبهات هم به نوعی جنگ فرهنگی است. در جنگ فرهنگی گاهی خداوند عالم صلاح می داند و موفقیت و پیروزی به انسان می دهد و گاهی هم ممکن است انسان با شکست مواجه شود.

**(فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا)**

چه بسا از چیزی کراهت دارید و خداوند در آن نیکی فراوان قرار داده است.

**سوره نساء (۴): آیه ۱۹**

بعضی از مسائل برای انسان ناخوشایند است، اما خداوند عالم در همین امر ناخوشایند، خیر کثیری قرار داده است. لذا قرآن کریم می فرماید:

**(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)**

ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) استقامت بخرج دهید و از مرزهای خود، مراقبت بعمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.

## سوره آل عمران (۳): آیه ۲۰۰

بنابراین مقاومت کردن و با یک شکست ظاهری، از کوره در رفتن، مطلوب خداوند عالم است. چه بسا در شکست در مناظرات یا پاسخگویی به شبهات، انسان تجربه‌هایی کسب می‌کند که در موفقیت‌ها چنین تجربه‌هایی را نمی‌تواند کسب کند.

غالباً پیروزی‌ها با عجب و خودستایی همراه است که در حقیقت عوامل شکست انسان را فراهم می‌کند. لذا مشاهده می‌کنیم روایتی وارد شده است که می‌فرماید:

«الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»

نسبت صبر به ایمان همانند سر برای جسد است.

«فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيْمَانُ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۸۷، ح ۲

بنابراین اگر خدای ناکرده مقاومت در برابر بحث و مناظرات را از دست بدهیم قطعاً با مشکلات عدیده مواجه خواهیم شد. تعبیر خداوند متعال در این زمینه چنین است:

(وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ)

صبر کن و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد.

(وَ لَا تَخْزَنَ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ)

و بخاطر (کارهای) آن‌ها اندوهگین مباش و دلسرد مشو، و از توطئه‌های آن‌ها در تنگنا قرار مگیر.

## سوره نحل (۱۶): آیه ۱۲۷

حضرت نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) حدود نهصد و پنجاه سال - که زمان کمی هم نیست - تبلیغ می‌کند و مردم را به طرف توحید دعوت می‌کند، درحالی‌که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ)

اما جز عده کمی به او ایمان نیاوردند.

## سوره هود (۱۱): آیه ۴۰

حضرت نوح کشتی درست کرده بود، اما تنها قسمتی از کشتی را مؤمنین تشکیل داده بودند و مابقی فضای کشتی از حیوانات پر شده بود. ولی با این همه، حضرت نوح به هیچ وجه از کار خود خسته نشد و به کار خود ادامه داد.

بنابراین ما در بحث‌ها و مناظرات دقت کنیم که اگر موفق نبودیم دل‌سرد نشویم. زیرا دل‌سردی یکی از توطئه‌های شیطان است که ما را از کوره به در ببرد.

چه بسا انسان یک مرتبه، دو مرتبه، سه مرتبه یا موارد متعددی با شکست مواجه می‌شود؛ درحالی‌که این شکست‌ها برای انسان تجربه‌ایست. زمانی که موفقیت و پیروزی حاصل می‌شود تمامی شکست‌ها جبران می‌شود.

البته ما باید دقت کنیم در هر شکستی که در مناظرات یا شبهات برای ما پیش می‌آید ببینیم عوامل شکست ما چه بوده است تا آن را بعدها تکرار نکنیم. ما باید از هر شکستی برای پیروزی‌های بعدی خود استفاده کنیم و یقین داشته باشیم:

(إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَتَّبِعْ أَقْدَامَكُمْ)

اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

سوره محمد (۴۷): آیه ۷

هیچ شکی نیست که نصرت دین الهی منجر به پیروزی است، اما این پیروزی یک مرتبه نزدیک و قریب است و مرتبه دیگر پیروزی بعید است. بنده بارها به دوستان می‌گویم در مواردی که موفق به پیروزی نمی‌شویم گاهی ناشی از ضعف ماست که باید خود را ملامت کنیم.

گاهی اوقات مطالعه خوبی نداشتیم و استدلال خوبی نکردیم، اما گاهی اوقات دشمن به قدری قوی است که یک سری ترفندهایی به کار می‌برد و حق ما را ناحق جلوه می‌دهد و پیروزی ما را شکست جلوه می‌دهد. به قدری تبلیغات گسترده دارد که موفقیت‌های ما را تحت پوشش قرار می‌دهد.

شما ببینید ماجرای شهادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در کربلا بهترین الگو برای ماست. فاجعه کربلا ظاهراً با شکست و شهادت آن بزرگوار و عزیزانش مواجه می‌شود، اما این شکست‌ها در حقیقت مقدمه یک پیروزی جاودانه است که تا ابد باقی است.

درست است پیروزی‌های ظاهری تا مدتی ادامه داشته است و شکست ظاهری امام حسین تا مدتی ادامه داشته است، اما به قول عوام جوجه را آخر پاییز می‌شمارند!! آیا بعد از گذشت چندین سال از حادثه کربلا، پیروز میدان امام حسین بود یا یزید بود؟!

لذا من تقاضا می‌کنم اگر در موردی نمی‌توانیم استدلال کنیم یا استدلال ما را طرف مقابل به استهزاء و سخره می‌گیرد و ما می‌بینیم با شکست مواجه می‌شویم، این از دو حال خارج نیست؛ یک مرتبه ما تمام تلاش خود را به کار می‌گیریم؛ اما با تمام این احوالات دشمن ترفندهای شیطانی به کار می‌برد و به ظاهر موفقیت کسب می‌کند. ولی یک مرتبه کوتاهی‌های ما سبب شکست می‌شود. ما مطالعات خوب نداشتیم، استدلال خوب

نکردیم، در برابر شبهه طرف مقابل، صف‌آرایی خوب نکردیم. در این صورت مشکل از ماست و ما باید از هر شکستی تجربه خوبی به دست آوریم که در میدان بعدی با موفقیت بیرون آییم.

(وَ اضْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا)

و در برابر آنچه آن‌ها (دشمنان) می‌گویند شکیبیا باش و به طرزی شایسته از آن‌ها دوری نما.

سوره مزمل (۷۳): آیه ۱۰

و:

(وَ اضْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ)

و شکیبایی کن که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

سوره هود (۱۱): آیه ۱۱۵

در این رابطه مطالب و نکات ظریف زیاد داریم و ما باید همواره این نکته را در نظر بگیریم که کار ما برای الله باشد.

ما که از انبیاء عزیزتر نیستیم! ما در بعضی از موارد مشاهده می‌کنیم بعضی از انبیاء همانند حضرت نوح، حضرت زکریا و دیگر انبیاء به ظاهر با شکست طاقت‌فرسا مواجه شدند. و لکن:

(وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)

و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است.

سوره اعراف (۷): آیه ۱۲۸

حضرت نوح نهد و پنجاه سال زحمت کشید و استهزاء مخالفین ادامه داشت، اما عاقبت پیروزی از آن حضرت نوح شد.

در میان انبیاء الهی هر نبی را در نظر بگیرید اگر به ظاهر سیر نزولی داشته این سیر نزولی یک مرتبه به صعودی دست پیدا کرده است که مخالفین یا نابود شدند و یا شکست خوردند.

شما ببینید در ماجرای رسول گرامی اسلام در جنگ احد یا جنگ احزاب چه اتفاقاتی افتاد؟ ولی در سال هشتم بعد از فتح مکه نتیجه چه شد؟! الان هم شما در واقع نگاه کنید پیروزی و موفقیت با نبی گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت است.

ما غالب عمر خود را با اهل سنت و وهابیت گذراندیم. زمانی که انسان با بزرگان آنان صحبت می کند مشاهده می کند که بسیاری از مسائل برای آنان حل شده است، اما مقام، پول یا ترس از جان نمی گذارد که واقعیت را بیان کنند.

به عنوان مثال ما بارها در مکه مکرمه با بعضی از سران وهابی از قبیل «عبدالوهاب» که در حقیقت عضو بیست و چهار نفری است که شورای عالی علمای عربستان سعودی هستند و بعد از هیئت عالی افتاء بالاترین مقام است صحبت کردیم.

ما چندین مرتبه که به منزل ایشان می رفتیم و ایشان به قم هم آمده بودند و مهمان آیت الله العظمی سبحانی بودند دیدیم که در صحبت هایشان کاملاً مشخص است که حق با شیعه است. این افراد عقاید شیعه را قبول دارند، اما به ظاهر نمی توانند.

یا چند روز قبل «بدرالدین حسون» خدمت آیت الله العظمی نوری آمده بود و ما هم جلسه ای با ایشان داشتیم. ایشان گفتند که شما هم به جلسه بیایید. زمانی که او صحبت می کرد، اصلاً صحبت هایشان صحبت شیعه است.



صحبت‌های او تفاوتی با شیعه ندارد. زمانی که بحث امیرالمؤمنین را با ابوبکر و عمر و عثمان مقایسه می‌کند همان عقیده شیعه است، اما پست و مقام ظاهری نمی‌گذارد که رسماً تشیع خود را اعلام کند. ولی وقتی شما حرف‌های او را با یک شیعه کنار هم بگذارید نود درصد با عقاید شیعه تطبیق می‌کند.

در حال حاضر هم به همین شکل است، اما در رابطه با رسول گرامی اسلام پیروزی نهایی نه تنها برای اسلام بلکه پیروزی نهایی برای تمامی انبیاء است. حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) موعود همه امت‌هاست.

در هر صورت....

در قضایایی که پیش می‌آید دقت کنیم هرچه توکل‌مان به خداوند عالم بیشتر باشد و توسل‌مان به اهل‌بیت (علیهم السلام) بیشتر باشد قطعاً پیروزی‌های ما قطعی است. قرآن کریم می‌فرماید:

**(وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)**

و هر کس بر خداوند توکل کند خداوند او را کفایت می‌کند.

**سوره طلاق (۶۵): آیه ۳**

من فراموش نمی‌کنم در سال ۱۳۸۳ با آقای «محمد جمیل زینو» که یکی از مفتیان مکه و رئیس دارالحدیث مکه هست، و بیش از ۸۰ تألیف دارد و غالب تألیفات ایشان هم به ۴۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است؛ جلسه صحبتی داشتیم.

اگر شما در اینترنت «جمیل بن زینو» را سرچ کنید می‌بینید که ایشان چقدر تألیفات دارد. ما شب نیمه ماه رمضان به منزل ایشان رفتیم و بحثی چهار ساعته با ایشان داشتیم.

ایشان در مباحث کلامی اطلاعات آنچنانی نداشت و در بحث‌ها کاملاً کم می‌آورد و طلاب و دانشجویان او ناراحت می‌شدند. زمانی که بنده چند سؤال پرسیدم ایشان اعلام کرد که جواب سؤالات را نمی‌دانم و فرداشب ادامه خواهیم داد.

بنده در یکی از سؤالات خود که تیر خلاصی بود پرسیدم: شیخنا ما در ایران در دانشگاه و حوزه علمیه کلاس داریم و بعضی از طلاب و شیعیان و اهل سنت از ما سؤال می‌پرسند. ما جوابی برای این سؤالات نداریم و می‌خواهیم از شما جواب یاد بگیریم تا به آن‌ها بگوییم.

یکی از ترفندهایی که می‌توانیم تندترین مطالب این افراد را مطرح کنیم و آن‌ها به دامن قبایشان برنخورد و عصبانی نشوند همین راه است. ما باید بگوئیم که طلاب و دانشجویان از ما سؤالی را می‌پرسند که جواب آن را نمی‌دانیم. آمدیم از شما یاد بگیریم تا بگوییم.

ایشان پرسید: سؤالتان چیست؟! بنده گفتم: «ابن حزم أندلسی» در کتاب «المحلی» جلد ۱۱ صفحه ۲۲۴ می‌گوید:

«أَنَّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَطَلْحَةَ وَسَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَزَادُوا قَتْلَ النَّبِيِّ وَالْقَاءَهُ مِنَ الْعُقْبَةِ  
فِي تَبُوكِ»

المحلی، اسم المؤلف: علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهری أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق

الجديدة - بیروت، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی، ج ۱۱، ص ۲۲۴، باب ۹۹

ماجرای اینکه ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و سعد بن ابی وقاص هنگام برگشتن از جنگ تبوک تصمیم گرفتند پیغمبر اکرم را به قتل برسانند و ایشان را ترور کنند چیست؟! این روایت برای ما مسئله‌ایست. همه مذاهب هم «ابن حزم أندلسی» را قبول دارند.

ایشان این کتاب را آورد و گفت: ایشان نسبت به فلان راوی اشکال دارد. بنده گفتم: این راوی کسی است که از روات «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» است و «ابن سعد»، «ذهبی» و «ابن حجر» همگی او را توثيق کردند.

او همینطوری معطل ماند و گفت: جواب این سؤال را ندارم. فرداشب بیاييد تا مطالعه کنم و جواب این سؤال را برای شما بیاورم.

ما در آنجا تندترین مطالب را مطرح کردیم به طوری که اگر می‌گفتیم ابوبکر قصد قتل پیغمبر اکرم را داشت همه آنها می‌شوریدند و چه بسا جان سالم هم نمی‌توانستیم به در ببریم. ما به ایشان گفتیم که چنین سؤالی داریم و جواب آن را به ما بفرمایید تا به دانشجویان بگوییم. در این صورت هم برای طرف مقابل احترام قائل شدیم و هم اینکه اسلحه را به دست دیگری دادیم تا تیراندازی کند و خودمان کنار ایستادیم.

فرداشب به هوای اینکه پیش ایشان برویم ما را نزد «پروفسور حمدان» که یکی از اساتید برجسته دانشگاه أم القرى است بردند. زمانی که ما به آنجا رفتیم مشاهده کردیم که ایشان واقعاً در مسائل کلامی قهرمان است.

ایشان کاملاً به کتاب‌های شیعه و شبهاتی که علیه شیعه مطرح است، مسلط بود. بنده واقعاً یک لحظه احساس کردم حرف‌هایی که می‌چیند و نتیجه‌گیری می‌کند که هرچقدر به مغزم فشار آوردم دیدم حتی به اندازه سی ثانیه که در جواب ایشان حرف بزنم مطلب در ذهن ندارم. ایشان مرتب صحبت می‌کرد و بنده هم یادداشت می‌کردم و می‌دیدم که جوابی برای گفتن ندارم.

در همان لحظه به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) متوسل شدم و گفتم: یا فاطمة الزهرا! بنده اینجا نیامدم از بستگان خود دفاع کنم. بلکه آمدم تا از شما دفاع کنم. اگر غیرت شما می‌پذیرد که من در برابر یک وهابی کم بیاورم و شکست بخورم هیچ حرفی ندارم.

بنده این توسل را با حضور قلب گفتم و آیه شریفه:

(أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ)

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.

سوره نمل (۲۷): آیه ۶۲

را با حالت اضطرار خواندم. قسم به حضرت صدیقه طاهره یک مرتبه احساس کردم نوری در ذهنم ایجاد شد به طوری که مطالب پشت سر هم همانند آبشار می‌ریزد. بنده مطالب را پشت سر هم یادداشت کردم و مطالبی که قبلاً گفته بود را هم یادداشت کردم.

زمانی که حرف ایشان تمام شد، بنده از حرف اول تا حرف آخر ایشان را مرتب پاسخ دادم. او جلوی شاگردان خود دستش را بلند کرد و گفت: قبول، قبول، قبول!!

زمانی که بحث‌هایمان تمام شد، او که حرفی برای گفتن نداشت گفت: شما ما اهل سنت را نجس و کافر می‌دانید. بنده گفتم: عمل ما جواب است. وقتی ما وارد این مجلس شدیم برای ما چای آوردید و ما چای خوردیم و الآن هم می‌خواهید سحری بیاورید تا با هم بخوریم.

اگر بنده معتقد بودم که شما نجس هستید این چایی را نمی‌خوردم. زن و بچه شما این میوه را شستند و اینجا گذاشته‌اند و غذا درست می‌کنند. جواب شما عمل من هست!!

به علاوه حاجی که در مکه و مدینه هستند عمدتاً از مطعم و رستوران‌های شما اهل سنت یا وهابیت استفاده می‌کنند. اگر چنانچه این افراد معتقد به نجاست شما بودند قطعاً این کار را انجام نمی‌دادند. او دیگر هیچ جوابی برای گفتن نداشت.

من به دوستان هم عرض می‌کنم که توکل بر خداوند عالم و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) دو بال بزرگ در حوزه دفاع از اهل بیت (علیهم السلام) است. یقین داشته باشیم هرکدام از این دو بال ما ضعیف باشد و تحقق پیدا نکند ما توان پرواز نخواهیم داشت.

البته نه تنها در بحث مناظرات بلکه در تمام کارها چنین است. در کارهای دنیوی هم اگر توکل و توسل ما ضعیف و کم‌رنگ باشد قطعاً موفق نخواهیم بود.

حتی در مدیریت خانه، تربیت فرزندان و برخورد با همسر هم اگر توکل بر خداوند و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) را حذف کنیم قطعاً با مشکلات مواجه خواهیم شد.

توصیه بنده به دوستانم این است؛ به فرزندان خودم هم همین توصیه را می‌کنم؛ صبح که از خواب بلند می‌شویم قبل از آنکه رختخواب را ترک کنیم توکل بر خداوند عالم و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) از همان لحظه آغازین بیداری باید نصب العین ما باشد.

باید بگوییم که خدایا در تمام کارهایی که امروز و تا آخر عمر برایمان پیش خواهد آمد بر خودت توکل می‌کنیم. و همچنین توسل به حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) را فراموش نکنیم که:

«بِیْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۴۲۳، دعاء العديلة الكبير

تلاش کنیم به ذات مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) هم توسل کنیم، زیرا واسطه فیض آن بزرگوار است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته